

سیمای سفیان ثوری در عرفان

مریم کرملو^۱

استاد راهنما: دکتر احمد ذاکری^۲



چکیده

نگارنده در این مقاله سعی داشته درباره‌ی اندیشه‌های عرفانی شخصیت سفیان ثوری به بحث و بررسی بپردازد و در این مسیر موضوعات ریاضت، ورع، خوف و رجا، فنا و... در باب عرفان و تصوف از دیدگاه وی و مشایخ و پیروانش از منابع مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. تحقیق و تدوین آرای اساسی سفیان ثوری به صورت نظام‌مند در دوره‌ی جدید تفکر اسلامی و عرصه‌ی دین‌شناسی حائز اهمیت است. نتیجه و ماحصل این تحقیق نشان می‌دهد، زهد شکل آغازین تصوف است که حتی بعد از تکامل و رشد مفاهیم تصوف باز هم به حرکت خود در همان حال و هوای نخستین ادامه می‌دهد.

کلید واژه: تصوف، زهد، ورع، خشوع، ریاضت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی (maryam820011m@yahoo.com)
۲ - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کرج

مقدمه

تصوف، روش و طریقه‌ای زاهدانه است براساس مبانی شرع و تزکیه‌ی نفس و اعراض از دنیا برای وصول به حق که ریشه در تعالیم و باورهای اسلام دارد. عرفان اسلامی، ریشه‌ها و سرمنشأ خود را به زمان حیات پیامبر اسلام (ص) برمی‌گرداند و برخاسته از تعلیمات قرآن، سیره و سنت پیامبر گرامی و سپس صحابه‌ی او خصوصاً حضرت امیرالمومنین (ع)، سرسلسله‌ی همه‌ی اولیاء صوفیه است. در این که اولین صوفی چه کسی بود، عقاید متعددی وجود دارد. عده‌ای تاریخ پیدایش تصوف را همزمان با ورود ابوهاشم صوفی (متوفی ۱۵ق) به این عرصه می‌دانند و او را اولین صوفی لقب می‌دهند و گروهی دیگر، حسن بصری (متوفی ۱۱ق) را به عنوان نخستین صوفی قلمداد می‌کنند. سفیان ثوری از صوفیان برجسته‌ی و مشهور کوفی است و شالوده‌ی طریقت او بر ریاضت و مجاهدت نفس استوار است.

۱-۱- شرح احوال

۱-۱-۱- نام، کنیت و شهرت

سفیان بن سعید بن مسروق ثوری، محدث برجسته و از بزرگان دین و از مجتهدان پنج‌گانه‌ی قرن دوم است. صاحب کتاب حلیه الاولیاء در توصیف وی چنین می‌گوید: «سفیان ثوری در حدیث امیرالمومنین بود.» (اصفهانی، ابونعیم، حلیه الاولیاء، ج ۷، ص ۳۵۶) کنیت او ابو عبدالله و به اعتبار مولدش به کوفی مشهور بود. (سلمی، ابوعبدالرحمان، طبقات الصوفیه، اکثر صفحات؛ و نیز ابن خلکان، و فیات الاعیان، ج ۲، ص ۱۲۷)

۱-۱-۲- تاریخ تولد و وفات

در باب سال تولد سفیان اختلافاتی وجود دارد؛ برخی مانند ابن ندیم (ابن ندیم،

می‌رفته و بعضی گفته‌اند که وی را به زنی بخواست.» (جامی، نورالدین عبدالرحمان، نفحات الانس، ص ۶۱۸)

از محمدبن اسحاق ابن ندیم می‌آید که: سفیان بازمانده نداشت و یگانه پسر وی که مبارک نام داشت پیش از مرگش وفات یافته است. (ابن ندیم، محمدبن اسحاق، الفهرست، ص ۴۱۲-۴۱۱)

۱-۱-۴: صفات ظاهری

شیخ فریدالدین عطار نیشابوری در کتاب تذکره الاولیا (ص ۱۹۵) درباره‌ی صورت ظاهری سفیان ثوری؛ روایتی را به نثر نقل می‌کند که همان روایت را در الهی نامه‌ی خود به نظم درآورده است که نگارنده در ذیل به آن اشاره می‌کند:

مگر سفیان ثوری چون جوان بود	ز کوژی قامت او چون کمان بود
یکی گفت ای امام آن جهانی	چرا پشتت دو تا شد در جوانی
به صورت وقت این پشت دو تا نیست	که پشت تو چنین دیدن روا نیست
چه افتادست، ما را حال بر گوی	نشانی ده بیانی کن خبر گوی
چنین گفت او که استادیم بودست	که دائم راه رفتست و نمودست
چو وقت مرگ او آمد پدیدار	بیالینش شدم میدیدمش زار
بغایت اضطرابی در درونش	که می‌جوشید همچون بحر خونش
همه جان و دلش پر آتش شک	به یک یک مژه صد صد دانه اشک
میان جامه در لرزیده چون برگ	دل او را امتیدی بر در مرگ
بدو گفتم که شیخا این چه حالست	زبان بگشاد کایمان در وبالست
به پنجه سال در خون گشته‌ام من	کنون از تیغ مرگ آغشته‌ام من
خطاب آمد که تو مردود مایی	توزین در دورشو، ما را نشایی

چو زو بشنیدم این خود را بکشتم طراقی زان برون آمد ز پشتم
 چو قول او چنان وقتی چنین بود چنین شد پشت من چون روی این بود
 نصیب اوستادم چون چنینست کجا شاگرد را امید دینست
 چو شد انجام استاد این درستم من از شاگردی خود دست شستم

آنگونه که از روایت عطار برمی آید، سفیان از همان ابتدا، پشتی خمیده داشته است و این گورپشتی به دلیل ترسی است که بعد از شنیدن سرانجام استاذ بر او غلبه کرده و او ظاهر شده است. (عطار نیشابوری، فریدالدین، الهی نامه، ص ۲۸-۲۸)

۱-۱-۵-دانش‌ها و تخصص‌های سفیان ثوری

از بررسی آثار و نوشته‌های سفیان روشن می‌شود که او در تفسیر قرآن، حدیث و روایت، کلام، عرفان و تصوف، فقه و اصول و بالاخره ریاضی و حساب صاحب نظر بوده است.

درباره‌ی اینکه سفیان ثوری در ریاضی و حساب نیز تخصص داشته، فؤاد سزگین نوشته است، «ثوری نخستین کسی شمرده می‌شود که در کوفه احادیث را به ترتیب نظم درآورد. او که پیرو «اهل حدیث» بود، مذهبی فقهی تأسیس کرد؛ ولی این مذهب چندانی نپایید. گویند ریاضی دانی نیکو نیز بوده است.» (سزگین، محمد فؤاد، تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۱، ص ۷۳۴)

۱-۱-۶-استادان سفیان ثوری

سفیان ثوری محدث بزرگ قرن دوم، در خدمت اکابر تابعین مانند محمدبن سائب و أعمش و ابواسحاق سبعی (م. ۱۲۷) به تحصیل حدیث پرداخت.

صاحب کتاب توضیح الملل در این باره آورده است: «سفیان ثوری و محمد پسر اسحق مؤلف کتاب سیره پیامبر از محمد بن سائب و أعمش حدیث نقل می‌کنند.» (شهرستانی، عبدالکریم، توضیح الملل، ج ۲، ص ۴۰۷)

وی همچنین در کلاس‌های درس رابعه عدویه، عارفه‌ی بزرگ آن قرن شرکت می‌کرد و از وی مسایل می‌پرسید و به موعظت و دعای وی رغبت می‌نمود. سفیان از وی پرسید که: «بهترین چیزی که بنده به آن به خدای -تعالی- تقرب جوید کدام است؟ گفت: آن که بداند که بنده از دنیا و آخرت غیر وی را دوست نمی‌دارد.» (جامی، نورالدین عبدالرحمان، نفحات الانس من حضرات القدس، ص ۶۱۳)

۱-۱-۷- شاگردان

سفیان ثوری شاگردان زیادی را تربیت کرده که از آن جمله‌اند:

۱- عبدالرحمن بن عمرو اوزاعی (۹۳/۸۸-۱۵۷): فقیه مجتهد، متولد بعلبک و متوفی بیروت، مؤسس مذهب فقهی اوزاعی است. مجموع مسائلی که وی به آنها پاسخ داده به نام المسائل و شامل ۷۰ هزار مسئله‌ی فقهی تدوین شده است. (تهامی، سیدغلامرضا، فرهنگ اعلام تاریخ اسلامی، ج ۱، ص ۵۶۰، و نیز خرمشاهی سیدجواد، فانی، کامران، دایره المعارف تشیع، ج ۹، ص ۱۹۳-۱۹۲)

«در تاریخ امام یافعی از علی بن عبید مرویست که گفت: روزی نزد سفیان ثوری بودم که مردی به وی گفت: که در شب گذشته بخواب دیدم که در ناحیه‌ی مغرب ریحانه‌ای بجانب آسمان تصاعد کرده از نظرها پنهان شد. سفیان گفت: اگر راست می‌گویی، روح اوزاعی به عالم بالا رفته است و او که از سفیان حدیث می‌گرفت همان شب وفاتش وقوع یافته بود.» (خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، ج ۲، ص ۲۱۸)

۲- ابوعبدالله مالک بن انس (۹۴/۹۱-۱۷۹/۱۷۸): از ائمه‌ی اربعه‌ی اهل سنت، متولد و

از وفاتش، مرا گفت: از آشنایی با مردمان کم کن، چه خلاص از ایشان دشوار است.
(غزالی، ابوحامد محد، احیاء علوم الدین، ربع عادات، ۲، ص ۵۰۶-۵۰۵)

۱-۱-۸- معاصران

۱- ابوهاشم الصوفی (م. ۱۵):

اصل وی از کوفه و در رمله می‌زیست. وی نخستین کسی بود که رسماً به لقب صوفی خوانده شد. (کاشانی، عزالدین، مصباح الهدایه، ص ۸۶ به بعد)
سفیان ثوری گوید: «من ندانستم که صوفی چه بود تا ابوهاشم صوفی را ندیدم.»
(جامی، نورالدین عبدالرحمان، نفحات الانس من حضرات القدس، ص ۲۷ و نیز رازی، امین احمد، تذکره‌ی هفت اقلیم، ج ۱، ص ۱۰۴)

۲- ابراهیم ادهم:

ابواسحق ابراهیم بن ادهم بن منصور از شهر بلخ و از بناء ملوک بود. وی به مکه رفت و با سفیان ثوری دوستی دیرینه داشت. «سفیان ثوری و ابراهیم ادهم - قدس الله روحهما - رفیق یکدیگر بودند و به سه شبانه روز افطار کردند.» (سهروردی، شیخ شهاب الدین، عوارف المعارف، ص ۱۰۵)

۳- ام حسان:

به روایت جامی در نفحات الانس، بین او و سفیان الفتی برقرار بوده است. سفیان گفته است که: «وقتی بروی درآمدم، در خانه‌ی او غیر از یکا پاره حصیر کهنه هیچ ندیدم و گفتم: اگر رقعہ‌ای به پسران عم تو نوشته شود، رعایت حال تو می‌کنند. وی گفت: ای سفیان! در چشم و دل من بیشتر از این بزرگتر بودی از این که اکنون شدی. من هرگز

سفیان در بصره در منزل یحیی بن سعید قطان مسکن گزید و تا پایان عمر خود در بصره در اختفا به سر برد. (خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، ج ۲، ص ۲۲۲-۲۲۱)

۱-۱-۱۰- آثار

سفیان ثوری آثاری به تفضیل از خود باقی گذاشته است که همگی آنها در زمینه‌ی حدیث، فقه و علم تفسیر هستند که عبارتند از: جامع الکبیر و جامع الصغیر در حدیث، الفرائض، در فقه و التفسیر القرآن الکریم در علم تفسیر که در آن با دقتی تمام به تفسیر برخی سوره‌های قرآن می‌پردازد. (ابن ندیم، محمدبن اسحاق، الفهرست، ص ۴۱۲- و ۴۱۱ و نیز خرمشاهی، سیدجواد، فانی، کامران، دایره المعارف تشیع، ج ۹، ص ۱۹۳-۱۹۲)

۱-۱-۱۱- پایان زندگی سفیان

پایان دوران زندگی سفیان ثوری در حالی که از دولتیان پنهان شده بود در اختفا سپری شد. سفیان پس از آنکه منشور قضای کوفه را از مهدی عباسی نپذیرفت «به بصره متواری شد» و در آنجا نیز همواره منزل خود را تغییر می‌داد و جستجوی ملازمان مهدی برای یافتن او بی ثمر می‌ماند. (حاجی، نورالدین عبدالرحمان، نفحات الانس، ص ۶۵۴)

سفیان ثوری در «شعبان سال ۱۶۱ق.» در حالیکه شصت و چهار سال داشت در بصره وفات یافت و در شب همان روز به خاک سپرده شد. (زهری، محمدبن سعدبن منیع، الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۲۵۸)

۱-۲- مکتب ثوریه:

یکی از طریقت‌های صوفیه، طریقه‌ی ابوهاشمیه است که بنیان‌گذار این طریقت ابوهاشم کوفی است او مانند رهبانان، جاسری پشمینه‌ی درشت می‌پوشید و مانند نصاری

کشد.» (دکتر سجادی، سید جعفر، فرهنگ اصطلاحات عرفانی، ص ۶۴)

۱- خوف و رجا

از جمله منازل و مقامات راه معرفت، یکی خوف است.

رجاء اطمینان به وجود و بخشش از سوی خدای متعال است.

شیخ عطار نیشابوری آورده است: «نقل است که خلیفه‌ی دیگر بنشست معتقد سفیان بود، چنان افتاد که سفیان بیمار شد. خلیفه طیبی ترسا داشت سخت استاد و حاذق بود پیش سفیان فرستاد؛ تا معالجت کند، چون قاروره‌ی او بدید، گفت: این مردی است که از خوف خدای جگر او خون شده است و پاره پاره از مثنای بیرون می‌آید پس آن طیب ترسا گفت: در دینی که چنین مردی بود آن دین باطل نبود! در حال مسلمان شد. خلیفه گفت: پنداشتم که طیب به بالین بیمار می‌فرستم خود بیمار را پیش طیب می‌فرستادم.» (عطار نیشابوری، فرید الدین، تذکره‌ الاولیا، ص ۱۹۴)

۲ - خشوع

خشوع به معنی تواضع و فروتنی در برابر حق و با خلق خدا و در هم شکستن بت

نخوت و غرور است. (دکتر سجادی، سید جعفر، فرهنگ اصطلاحات عرفانی، ص ۳۵۲)

«سفیان ثوری را عادت بودی که جز در صف آخر نایستادی، گفتند: یا سفیان! نه

اولی تر آن است که اختیار صف اول کنی؟ گفت: صدر سنزای خداوندان بود، بندگان را

با صدر عزت چه کار.» (میبی، رشید الدین فضل الله، کشف الاسرار و عده‌ الابرار، ج ۲، ص ۷۹۱)

۳- رضا

رضا، عبارت است از «خروج از رضای نفس و آمدن در رضای حق است» و رفع

بدارد.» (عثمانی، ابو علی حسن بن احمد، ترجمه‌ی رساله قشریه، ص ۱۶۸)

۷- یقین

یقین عبارت است از اعتقاد قلبی. در واقع «واردی است قلبی که حاصل ایمان سالک است.» (دکتر سجادی، سید جعفر، فرهنگ اصطلاح سفیان را پرسیدند از یقین، گفت: «فعلی است در دل، هر گاه که معرفت درست شد یقین ثابت گشت و یقین آن است که هر چه به تو رسد دانی که از حق به تو می‌رسد تا چنان باشی که وعده‌ی ترا چون عیان بود بلکه بیشتر از عیان یعنی حاضر بود بلکه از این زیادت بود.» (عطار، فرید الدین، تذکره الاولیاء ص ۱۹۸) (اصطلاحات عرفانی، ص ۸۰۴)

۳-۱- اقوال منسوب به سفیان ثوری

در این فصل، اقوال و سخنان سفیان ثوری بر اساس موضوع به ترتیب الفبایی طبقه‌بندی شده است. طبیعی است که برای نقل هر قول، ابتدا به سراغ منابع قدیمی‌تر رفته و سعی بر آن بوده که اگر یک قول، در چند منبع ذکر شده باشد، قولی که در کتب قدیمی‌تر آمده، ارائه شده و نظایر آن نیز فقط استناد داده شود.

۱- آفت زبان

- ابو حامد محمد غزالی طوسی آورده است: «سفیان گفت، که عیسی را -علیه السلام- گفتند: که ما را به کاری دلالت کن که بدان در بهشت رویم، گفت: هرگز سخن مگوئید. گفتند: نتوانیم، گفت: جز نکو مگوئید.» (غزالی، ابو حامد امام محمد، احیاء علوم الدین، ربع مهلکات، (۳)، ص ۲۳۴)

۶- حدیث

سفیان گوید: «هرگز من حدیثی نبشسته‌ام از آن پیغمبر صلوات الله علیه که الا من آن را کار بستم.» (مستملی بخاری، ابو ابراهیم اسماعیل بن محمد، شرح التعرف لمذهب التصوف، ج ۱، ص ۲۰۶)

۷- مرگ

صاحب رساله‌ی قشیریه نقل می‌کند که: «می‌گویند هر گاه که یکی از شاگردان سفیان ثوری به سفر شدی، او را گفتی چه فرمایی؟ گفت: اگر مرگ یابید جایی، مرا بخرید، چون وی را اجل نزدیک آمد، گفت: مرگ آرزو همی خواستم، اکنون مرگ سخت است.» (همان، ص ۵۲۴)

۳-۲- تفسیر آیات

۳-۲-۱- سخنی درباره‌ی تفسیر سفیان

از جمله آثاری که از سفیان ثوری به جای مانده است، می‌توان از «تفسیر القرآن الکریم» یاد کرد. آنچه از این تفسیر در دسترس است، همان است که ابوالفتوح رازی در تفسیر روض الجنان و میبیدی در کشف الاسرار، هر یک چندین نمونه از عقاید او را ذکر کرده‌اند.

۱- الفاتحه

سفیان ثوری گفت: «شرط بندگی سه چیز است: رضا به قسمت، نگاهداشت حرمت و مراعات خدمت.» (رازی، ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۸۱)

- قال سفیان ثوری، «الاستدراج ان یسبط علیهم النعم و یمنعهم الشکر» (میبدی، رشید الدین فضل الله، کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۱۰، ص ۱۹۷)

۷- المَدَّثِرُ

آیه ۱۲: وَ جَعَلْتُ لَهُ و مَالاً مَمْدُوداً

سفیان گوید: «هزار هزار دینار بود.» (رازی، ابوالفتح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۲۵)

۸- الهمزة

آیه ۱: وَ يَلُّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ

سفیان ثوری گفت: «همزه آن باشد که به زبان عیب کند و لمزه آن که به چشم شکستن عیب کند.» (همان، ج ۲۰، ص ۳۹۶)

نتیجه:

نتایجی که در این تحقیق به دست آمد از این قرار است:

- ۱- سفیان ثوری یک صوفی برجسته و اهل حدیث است که در تعالیم خود بر قرآن و حدیث سخت تأکید دارد.
- ۲- تأکید بر قرآن و نیز پیامبر و سنت در سخنان سفیان، مؤید آن است که طریقت سفیان، سخت بر پایه‌ی شریعت استوار بوده و زیر بنای تصوف او را تعالیم و اعتقادات دینی می‌سازد.
- ۳- اگر بخواهیم اندیشه‌های صوفیانه‌ی سفیان را باز گوئیم، باید گفت که مهم‌ترین زیر ساخت تفکرات او را بیشتر مفاهیمی چون صبر، خوف و رجا، رضا و ایمان

- ۱۲- جامی، نورالدین عبدالرحمان، شواهد النبوة، حیدری، ۱۲۸۸ ق.
- ۱۳- جامی، نورالدین عبدالرحمان نفحات الانس من حضرات القدس، مقدمه و تصحیح و تعلیمات دکتر محمود عابدی، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۳-.
- ۱۴- حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰.
- ۱۵- خرمشاهی، بهاءالدین، فانی، کامران، دایرة المعارف تشیع، شهید سعید محبی، تهران، ۱۱۳۸-
- ۱۶- خواند میر، تاریخ حبیب السیر، زیر نظر دبیر سیاقی، خیام، ۱۳۵۳-
- ۱۷- رازی، ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان، تألیف حسین بن احمد خزاعی نیشابوری، به کوشش و تصحیح دکتر محمد جعفر یا حقی، دکتر محمد مهدی ناصح، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم، مشهد، ۱۳۷۸-
- ۱۸- رازی، ابن ابی حاتم محمد بن ادريس، الجرح و التعديل، بیروت، بی‌نا، ۱۳۷۱ ق.
- ۱۹- رازی، امین احمد، تذکره هفت اقلیم، تصحیح و تعلیقات و حواشی سید محمد رضا طاهری، تهران، سروش، بی‌تا.
- ۲۰- زرین کوب، عبدالحسین، جستجو در تصوف ایران، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۶-
- ۲۱- زهری، محمد بن سعد بن منیع، الطبقات الکبری، بیروت، بی‌نا، بی‌تا.
- ۲۲- سجادی، سید جعفر، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، طهوری، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۶-
- ۲۳- سزگین، محمد فؤاد، تاریخ نگارش‌های عربی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۲۴- السلمی، ابو عبدالرحمان، طبقات الصوفیه، دارالکتاب العربی، مصر، ۱۹۵۳ م.
- ۲۵- سهروردی، شیخ شهاب الدین، عوارف المعارف، ترجمه‌ی ابو منصور بن عبد المؤمن اصفهانی، به اهتمام قاسم انصاری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴-
- ۲۶- شهرستانی، ابوالفتوح محمد بن عبدالکریم، توضیح الملل، ترجمه‌ی مصطفی خالقواد

هاشمی، اقبال، ۱۳۶۲-

۲۷- شیرازی، معصوم علیشاه، طرائق الحقائق، با تصحیح محمد جعفر محبوب، انتشارات کتابخانه‌ی سنایی، بی‌تا.

۲۸- طوسی، ابو نصر سراج، اللمع فی التصوف، تصحیح رینولد آلن نیکلسون، ترجمه‌ی دکتر مهدی محبتی، اساطیر، تهران، ۱۳۸۲-

۲۹- عثمانی، ابو علی حسن بن احمد، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه، با تصحیحات و استدراکات بدیع الزمان

فروزانفر، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹-

۳۰- عطار نیشابوری، شیخ فرید الدین، الهی نامه، تصحیح و مقدمه و حواشی هلموت ریتز، توس، چاپ دوم، ۱۳۶۸-

۳۱- عطار نیشابوری، شیخ فرید الدین، تذکره‌ی الاولیاء، با مقدمه‌ی مرحوم قزوینی، صفی علیشاه، تهران، ۱۱۳۸-

۳۲- غزالی، ابو حامد امام محمد، احیاء علوم الدین، ترجمه‌ی مؤید الدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیوچم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹-

۳۳- غزالی، ابو حامد امام محمد، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیوچم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷-

۳۴- کاشانی، عزالدین محمود بن علی، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، با تصحیح و مقدمه علامه جلال الدین همایی، بی‌تا، تهران، ۱۱۳۸-

۳۵- لویزن، لئونارد، میراث تصوف، ترجمه‌ی دکتر مجد الدین کیوانی، نشر مرکز، ۱۳۸۴-

۳۶- محمود بن عثمان، فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه، به کوشش ایرج افشار، طهوری، ۱۳۳۲-

۳۷- مستملی بخاری، ابو ابراهیم اسماعیل بن محمد، شرح التعرف لمذهب التصوف، با مقدمه و تصحیح و تحشیه محمد روشن، اساطیر، تهران، بی‌تا

- ۳۸- مسکویه، احمد بن محمد، جاویدان خرد، ترجمه‌ی تقی الدین محمد شوشتری، به اهتمام دکتر ثروتیان، مطالعات اسلامی و دانشگاه مک گیل، تهران، بی تا.
- ۳۹- مصاحب، دکتر غلامحسین، دایرة المعارف فارسی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۰.
- ۴۰- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، امیر کبیر، تهران، چاپ هشتم، ۱۱۳۷-.
- ۴۱- میبدی، ابوالفضل رشید الدین، کشف الاسرار و عدۀ الابرار، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۶-.
- ۴۲- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان الجلابی، کشف المحجوب، با مقدمه و تصحیح و تعلیقات دکتر محمد عابدی، سروش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۷-.

